

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# آراء وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور سال‌های ۷۰ - ۸۰



تدوین:

مصطفی افشاری

وکیل پایه یک دادگستری

انتشارات چتر دانش

سرشناسه	: افشاری، مصطفی، ۱۳۶۸ -
عنوان قراردادی	: ایران. قوانین و احکام Iran. Laws, etc
عنوان و نام پدیدآور	: آراء وحدت رویه هیات عمومی دیوان عالی کشور سال‌های ۷۰- / ۸۰ تدوین مصطفی افشاری.
مشخصات نشر	: تهران: چتر دانش، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۴۹۶ص؛ ۱۴/۵×۲۱ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۳۲۵-۱
وضعیت فهرست نویسی: فیپا	
موضوع	: رویه قضایی -- ایران
موضوع	: Jurisprudence -- Iran
موضوع	: دیوان عالی کشور
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۸ ۱۳۴۵/آ۴۳۵ / KMH۴۴
رده بندی دیویی	: ۳۴۹/۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۶۴۸۹۰۴

نام کتاب	: آراء وحدت رویه هیات عمومی دیوان عالی کشور سال‌های ۷۰- / ۸۰
ناشر	: چتر دانش
تدوین	: مصطفی افشاری
نوبت و سال چاپ	: اول - ۱۳۹۸
شمارگان	: ۱۰۰۰
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۳۲۵-۱
قیمت	: ۲۵۰۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خمینبری جاوید(اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

پست الکترونیک: nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

## سخن ناشر

رشته‌ی حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله‌ی یکی از پرطرفدارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه‌ی خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند. منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه‌ی کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این‌ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته‌ی حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آنها از یک سو و تناسب آنها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

**مؤسسه‌ی آموزش عالی آزاد چتردانش**، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته‌ی حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه‌ی خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه‌ی علمی بیش از پیش به منصه‌ی ظهور برساند.

**فرزاد دانشور**  
**مدیر مسئول انتشارات چتر دانش**

## فهرست

- رأى وحدت رویه شماره ۵۵۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۱۴
- رأى وحدت رویه شماره ۵۵۴ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۱۷
- رأى وحدت رویه شماره ۵۵۵ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۲۱
- رأى وحدت رویه شماره ۵۵۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۲۵
- رأى وحدت رویه شماره ۵۵۷ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۲۸
- رأى وحدت رویه شماره ۵۵۸ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۳۲
- رأى وحدت رویه شماره ۵۵۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۳۵
- رأى وحدت رویه شماره ۵۶۰ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۳۸
- رأى وحدت رویه شماره ۵۶۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۴۲
- رأى وحدت رویه شماره ۵۶۲ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۴۷
- رأى وحدت رویه شماره ۵۶۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۵۱
- رأى وحدت رویه شماره ۵۶۴ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۵۵
- رأى وحدت رویه شماره ۵۶۵ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۵۹
- رأى وحدت رویه شماره ۵۶۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۶۳
- رأى وحدت رویه شماره ۵۶۷ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۷۲
- رأى وحدت رویه شماره ۵۶۸ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۷۶
- رأى وحدت رویه شماره ۵۶۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۸۰
- رأى وحدت رویه شماره ۵۷۰ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۸۴
- رأى وحدت رویه شماره ۵۷۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۸۸
- رأى وحدت رویه شماره ۵۷۲ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۹۲
- رأى وحدت رویه شماره ۵۷۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۹۵
- رأى وحدت رویه شماره ۵۷۴ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۹۹

- رأى وحدت رویه شماره ۵۷۵ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۱۰۲
- رأى وحدت رویه شماره ۵۷۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۱۰۶
- رأى وحدت رویه شماره ۵۷۷ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۱۱۰
- رأى وحدت رویه شماره ۵۷۸ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۱۱۴
- رأى وحدت رویه شماره ۵۷۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۱۱۹
- رأى وحدت رویه شماره ۵۸۰ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۱۲۵
- رأى وحدت رویه شماره ۵۸۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۱۳۲
- رأى وحدت رویه شماره ۵۸۲ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۱۳۶
- رأى وحدت رویه شماره ۵۸۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۱۴۰
- رأى وحدت رویه شماره ۵۸۴ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۱۴۶
- رأى وحدت رویه شماره ۵۸۵ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۱۵۱
- رأى وحدت رویه شماره ۵۸۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۱۵۶
- رأى وحدت رویه شماره ۵۸۷ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۱۶۱
- رأى وحدت رویه شماره ۵۸۸ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۱۶۶
- رأى وحدت رویه شماره ۵۸۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۱۷۰
- رأى وحدت رویه شماره ۵۹۰ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۱۷۵
- رأى وحدت رویه شماره ۵۹۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۱۷۹
- رأى وحدت رویه شماره ۵۹۲ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۱۸۴
- رأى وحدت رویه شماره ۵۹۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۱۸۹
- رأى وحدت رویه شماره ۵۹۴ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۱۹۵
- رأى وحدت رویه شماره ۵۹۵ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۱۹۹
- رأى وحدت رویه شماره ۵۹۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۲۰۳
- رأى وحدت رویه شماره ۵۹۷ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۲۰۹

- رأى وحدت رویه شماره ۵۹۸ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۲۱۴
- رأى وحدت رویه شماره ۵۹۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۲۱۸
- رأى وحدت رویه شماره ۶۰۰ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۲۲۲
- رأى وحدت رویه شماره ۶۰۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۲۲۶
- رأى وحدت رویه شماره ۶۰۲ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۲۳۲
- رأى وحدت رویه شماره ۶۰۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۲۳۸
- رأى وحدت رویه شماره ۶۰۴ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۲۴۴
- رأى وحدت رویه شماره ۶۰۵ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۲۴۸
- رأى وحدت رویه شماره ۶۰۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۲۵۳
- رأى وحدت رویه شماره ۶۰۷ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۲۵۷
- رأى وحدت رویه شماره ۶۰۸ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۲۶۳
- رأى وحدت رویه شماره ۶۰۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۲۶۷
- رأى وحدت رویه شماره ۶۱۰ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۲۷۲
- رأى وحدت رویه شماره ۶۱۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۲۷۷
- رأى وحدت رویه شماره ۶۱۲ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۲۸۲
- رأى وحدت رویه شماره ۶۱۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۲۸۶
- رأى وحدت رویه شماره ۶۱۴ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۲۹۰
- رأى وحدت رویه شماره ۶۱۵ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۲۹۴
- رأى وحدت رویه شماره ۶۱۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۳۰۱
- رأى وحدت رویه شماره ۶۱۷ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۳۰۷
- رأى وحدت رویه شماره ۶۱۸ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۳۱۱
- رأى وحدت رویه شماره ۶۱۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۳۱۶
- رأى وحدت رویه شماره ۶۲۰ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۳۲۰

- رأى وحدت رویه شماره ۶۲۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۳۲۴
- رأى وحدت رویه شماره ۶۲۲ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۳۲۹
- رأى وحدت رویه شماره ۶۲۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۳۳۴
- رأى وحدت رویه شماره ۶۲۴ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۳۳۷
- رأى وحدت رویه شماره ۶۲۵ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۳۴۱
- رأى وحدت رویه شماره ۶۲۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۳۴۵
- رأى وحدت رویه شماره ۶۲۷ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۳۴۹
- رأى وحدت رویه شماره ۶۲۸ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۳۵۳
- رأى وحدت رویه شماره ۶۲۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۳۵۹
- رأى وحدت رویه شماره ۶۳۰ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۳۶۳
- رأى وحدت رویه شماره ۶۳۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۳۷۰
- رأى وحدت رویه شماره ۶۳۲ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۳۷۶
- رأى وحدت رویه شماره ۶۳۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۳۸۲
- رأى وحدت رویه شماره ۶۳۴ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۳۸۶
- رأى وحدت رویه شماره ۶۳۵ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۳۹۰
- رأى وحدت رویه شماره ۶۳۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۳۹۵
- رأى وحدت رویه شماره ۶۳۷ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۴۰۴
- رأى وحدت رویه شماره ۶۳۸ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۴۰۸
- رأى وحدت رویه شماره ۶۳۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۴۱۳
- رأى وحدت رویه شماره ۶۴۰ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۴۱۹
- رأى وحدت رویه شماره ۶۴۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۴۲۳
- رأى وحدت رویه شماره ۶۴۲ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۴۲۸
- رأى وحدت رویه شماره ۶۴۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۴۳۲

- رأى وحدت رویه شماره ۶۴۴ هیأت عمومی دیوان عالی کشور ..... ۴۳۸
- رأى وحدت رویه شماره ۶۴۵ هیأت عمومی دیوان عالی کشور ..... ۴۴۲
- رأى وحدت رویه شماره ۶۴۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور ..... ۴۴۶
- رأى وحدت رویه شماره ۶۴۷ هیأت عمومی دیوان عالی کشور ..... ۴۵۴
- رأى وحدت رویه شماره ۶۴۸ هیأت عمومی دیوان عالی کشور ..... ۴۵۹
- رأى وحدت رویه شماره ۶۴۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور ..... ۴۶۳
- رأى وحدت رویه شماره ۶۵۰ هیأت عمومی دیوان عالی کشور ..... ۴۶۸
- رأى وحدت رویه شماره ۶۵۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور ..... ۴۶۹
- رأى وحدت رویه شماره ۶۵۲ هیأت عمومی دیوان عالی کشور ..... ۴۷۳
- رأى وحدت رویه شماره ۶۵۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور ..... ۴۷۷
- رأى وحدت رویه شماره ۶۵۴ هیأت عمومی دیوان عالی کشور ..... ۴۸۱
- رأى وحدت رویه شماره ۶۵۵ هیأت عمومی دیوان عالی کشور ..... ۴۸۵
- رأى وحدت رویه شماره ۶۵۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور ..... ۴۸۹
- رأى وحدت رویه شماره ۶۵۷ هیأت عمومی دیوان عالی کشور ..... ۴۹۳



## فهرست موضوعی

ردیف	شماره رأی	مواد مرتبط	صفحه
۱	۵۵۳	ماده ۱۴ قانون تشکیل دادگاههای حقوقی یک و دو مصوب ۱۳۶۴	۱۴
۲	۵۵۴	مواد ۸ و ۷ قانون تشکیل دادگاههای کیفری یک و دو	۱۷
۳	۵۵۵	ماده ۱۲ قانون تشکیل دادگاههای حقوقی ۱ و ۲ مصوب ۶۴ و ماده ۶ قانون تعیین موارد تجدیدنظر احکام دادگاهها مصوب ۱۳۶۷	۲۱
۴	۵۵۶	ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۶۰	۲۵
۵	۵۵۷	ق حمایت صنعتی و جلوگیری از تعطیل کارخانههای کشور مصوب ۱۳۴۳	۲۸
۶	۵۵۸	ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۶۰	۳۲
۷	۵۵۹	ماده ۸۴۳ قانون مدنی و ماده ۳ لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص مصوب ۱۳۵۸	۳۵
۸	۵۶۰	ماده ۳ لایحه قانونی دادگاه های مدنی خاص مصوب ۱۳۵۸	۳۸
۹	۵۶۱	مواد ۴۱۷ و ۴۲۳ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱	۴۲
۱۰	۵۶۲	ماده ۳۴ قانون تشکیل دادگاههای کیفری یک و دو مصوب ۱۳۶۸	۴۷
۱۱	۵۶۳	ماده ۱ قانون دیات مصوب ۱۳۶۱ و تبصره ماده ۱۶ قانون تشکیل دادگاههای کیفری یک و دو مصوب ۱۳۶۸	۵۱
۱۲	۵۶۴	ماده ۵ قانون تعیین موارد تجدیدنظر احکام دادگاهها و نحوه رسیدگی آنها مصوب ۱۳۶۷	۵۵
۱۳	۵۶۵	ماده ۱۰ قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۵۶	۵۹
۱۴	۵۶۶	اصل ۱۶۱ قانون اساسی	۶۳
۱۵	۵۶۷	ماده ۹ قانون تعیین موارد تجدیدنظر احکام دادگاهها و نحوه رسیدگی آنها مصوب ۱۳۶۷	۷۲
۱۶	۵۶۸	اصل ۱۵۹ قانون اساسی	۷۶
۱۷	۵۶۹	اصل ۱۵۹ قانون اساسی	۸۰
۱۸	۵۷۰	تبصره ماده ۳۵ قانون تشکیل دادگاههای کیفری یک و دو مصوب ۱۳۶۸	۸۴
۱۹	۵۷۱	مواد ۳ و ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷	۸۸
۲۰	۵۷۲	ماده ۲ قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی مصوب ۱۳۶۳	۹۲
۲۱	۵۷۳	ماده ۱۰۴ قانون تعزیرات و ماده ۵ قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباس هایی که استفاده از آنها در ملاءعام خلاف شرع است مصوب ۱۳۶۵	۹۵

ردیف	شماره رأی	مواد مرتبط	صفحه
۲۲	۵۷۴	ماده ۳ لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص مصوب ۱۳۵۸	۹۹
۲۳	۵۷۵	ماده ۸ و تبصره ماده ۵ قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی مصوب ۱۳۶۳ - ماده ۱۰ قانون آیین دادرسی مدنی	۱۰۲
۲۴	۵۷۶	قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۶۲ و ماده ۴۹۴ قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷	۱۰۶
۲۵	۵۷۷	ماده ۱۱ قانون تعیین موارد تجدیدنظر احکام دادگاهها و نحوه رسیدگی آنها مصوب ۱۳۶۷	۱۱۰
۲۶	۵۷۸	مواد ۱ و ۴ قانون تعیین موارد تجدیدنظر احکام دادگاهها و نحوه رسیدگی آنها مصوب ۱۳۶۷	۱۱۴
۲۷	۵۷۹	ماده ۷ قانون تشکیل دادگاههای حقوقی یک و دوم مصوب ۱۳۶۴	۱۱۹
۲۸	۵۸۰	مواد ۷ و ۸ قانون تشکیل دادگاههای کیفری یک و دو مصوب ۱۳۶۸	۱۲۵
۲۹	۵۸۱	اصل ۴۹ و ۱۶۱ قانون اساسی - ماده ۱۰ قانون آیین دادرسی مدنی	۱۳۲
۳۰	۵۸۲	ماده ۱۶ قانون تشکیل دادگاههای کیفری یک و دو و شعب دیوان عالی کشور مصوب ۱۳۶۸ - ماده ۷۰ ق.آ.د مدنی مصوب ۱۳۱۸ - ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹	۱۳۶
۳۱	۵۸۳	ماده ۲۵ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶ - ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹	۱۴۰
۳۲	۵۸۴	ماده ۴۸ اصلاحی قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲	۱۴۶
۳۳	۵۸۵	ماده ۷ قانون تشکیل دادگاههای حقوقی ۱ و ۲ مصوب ۱۳۶۴	۱۵۱
۳۴	۵۸۶	قانون تجدیدنظر آراء دادگاهها مصوب ۱۳۷۲	۱۵۶
۳۵	۵۸۷	مواد ۱، ۶ و ۱۰ قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۵۳	۱۶۱
۳۶	۵۸۸	ماده ۳۰ آیین‌نامه قانون مترجمان رسمی مصوب ۱۳۴۸ - ماده ۳ آیین‌نامه قانون کارشناسان رسمی مصوب ۱۳۴۱	۱۶۶
۳۷	۵۸۹	ماده ۴ قانون دادگاه مدنی خاص مصوب ۱۳۵۸	۱۷۰
۳۸	۵۹۰	مواد ۱۷ و ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰	۱۷۵
۳۹	۵۹۱	ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵	۱۷۹
۴۰	۵۹۲	مواد ۹ و ۱۲ قانون تجدیدنظر آراء دادگاهها مصوب ۱۳۷۲	۱۸۴
۴۱	۵۹۳	ماده ۹ قانون تجدیدنظر آراء دادگاهها مصوب ۱۳۷۲	۱۸۹
۴۲	۵۹۴	ماده ۱ قانون مجازات راجع به انتقال مال غیر مصوب ۱۳۰۸ - ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی	۱۹۵
۴۳	۵۹۵	ماده ۱ قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۵۳	۱۹۹

ردیف	شماره رأی	مواد مرتبط	صفحه
۴۴	۵۹۶	ماده ۴۶ ق.آ. دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ سابق	۲۰۳
۴۵	۵۹۷	ماده ۲۴۹-۲۸۶-۲۸۹ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱	۲۰۹
۴۶	۵۹۸	مواد ۹ و ۱۲ قانون تشکیل محاکم جنایی	۲۱۴
۴۷	۵۹۹	قانون ثبت احوال و ماده واحده قانون حفظ اعتبار اسناد سجلی مصوب ۱۳۷۶	۲۱۸
۴۸	۶۰۰	ماده ۲۱ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳	۲۲۲
۴۹	۶۰۱	ماده واحده قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی موضوع اجرای ماده ۵۶ قانون جنگلها و مراتع مصوب ۱۳۶۷	۲۲۶
۵۰	۶۰۲	ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۶۰- مواد ۵۴ قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶- قانون ملی شدن بانکها و نحوه اداره امور بانکها	۲۳۲
۵۱	۶۰۳	قانون اصلاحات ارضی - ماده ۳۰ قانون مدنی	۲۳۸
۵۲	۶۰۴	مواد ۲ و ۱۵۷ قانون کار مصوب ۱۳۶۹ - ماده ۱۰ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹	۲۴۴
۵۳	۶۰۵	مواد ۳ و ۴ ق.آ. دادرسی مدنی سابق و ماده ۳۳ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب ماده ۲۷ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹	۲۴۸
۵۴	۶۰۶	ماده ۲۱ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳	۲۵۳
۵۵	۶۰۷	ماده ۲ قانون تجارت - ماده ۲ قانون نظام صنفی- قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۶۲ ماده ۴۹۴ قانون مدنی	۲۵۷
۵۶	۶۰۸	مواد ۷، ۳، ۱۰ و ۱۳ قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵ اصلاحی ۱۳۷۲	۲۶۳
۵۷	۶۰۹	مواد ۱۹، ۲۰، ۲۱ و قانون تشکیل دادگاههای عمومی مصوب ۱۳۷۳ - ماده ۳۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹	۲۶۷
۵۸	۶۱۰	ماده ۳ قانون تجدیدنظر آراء دادگاهها مصوب ۱۳۷۲	۲۷۲
۵۹	۶۱۱	ماده ۲۱ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ - ماده ۳۳۴ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹	۲۷۷
۶۰	۶۱۲	ماده ۱۶ آیین نامه قانونی کیفیت تحقیق در شعب تحقیق سازمان حج و اوقاف مصوب ۱۳۵۶	۲۸۲
۶۱	۶۱۳	ماده ۳۱ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳	۲۸۶
۶۲	۶۱۴	مواد ۲۱، ۲۲ و ۲۶ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳	۲۹۰
۶۳	۶۱۵	مواد ۲۶، ۲۷ و ۲۸ قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱۳۱۰	۲۹۴
۶۴	۶۱۶	ماده ۵ و ۷ قانون راجع به واگذاری معاملات ارزی به بانک ملی ایران مصوب ۱۳۳۶	۳۰۱

ردیف	شماره رأی	مواد مرتبط	صفحه
۶۵	۶۱۷	مواد ۱، ۱۶ و ۱۷ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵ و ماده ۸۸۴ قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷ - ماده ۱۱۶۷ قانون مدنی	۳۰۷
۶۶	۶۱۸	ماده واحد الحاقی به قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۶۵	۳۱۱
۶۷	۶۱۹	مواد ۳۶۷ و ۴۴۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰	۳۱۶
۶۸	۶۲۰	ماده ۷۹۳ قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷	۳۲۰
۶۹	۶۲۱	مواد ۲۱ و ۲۶ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳	۳۲۴
۷۰	۶۲۲	ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳	۳۲۹
۷۱	۶۲۳	ماده ۲ قانون اصلاح مواد ۲۰۱ و ۳ قانون اصلاح و حذف موادی از قانون ثبت اسناد و املاک و ۱۳۶۵ و الحاق موادی به آن مصوب ۱۳۷۰	۳۳۴
۷۲	۶۲۴	مواد ۷۵ الی ۸۲ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱	۳۳۷
۷۳	۶۲۵	مواد ۵ و ۲۱ قانون تشکیل دادگاههای عمومی مصوب ۱۳۷۳ و اصل ۴۹ قانون اساسی	۳۴۱
۷۴	۶۲۶	ماده واحده تعیین تکلیف پرونده‌های معترض‌ثبتی که فاقد سابقه بوده یا اعتراض آنها در مراجع قضایی از بین رفته مصوب ۱۳۷۳ و مواد ۲ و ۳ قانون اصلاح و حذف موادی از قانون ثبت اسناد و املاک و الحاق موادی به آن مصوب ۱۳۷۰ - ماده ۳ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب	۳۴۵
۷۵	۶۲۷	بند هـ تبصره ۱۷ قانون بودجه کل کشور سال ۱۳۷۴	۳۴۹
۷۶	۶۲۸	ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشاء و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ و ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰	۳۵۳
۷۷	۶۲۹	ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳	۳۵۹
۷۸	۶۳۰	ماده ۲۱ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ و ماده ۶۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰	۳۶۳
۷۹	۶۳۱	ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰	۳۷۰
۸۰	۶۳۲	ماده ۲ لایحه قانونی صید غیرمجاز از دریای خزر و خلیج فارس مصوب ۱۳۵۸ و ماده ۲۲ قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبی مصوب ۱۳۷۴	۳۷۶
۸۱	۶۳۳	ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی مصوب ۱۳۱۳ و ۱۳۱۴ - ماده ۶۴۲ مجازات اسلامی تعزیرات مصوب ۱۳۷۵	۳۸۲
۸۲	۶۳۴	ماده ۱۹ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ و مواد ۱۷۱، ۱۷۲ و ۱۸۰ ق.آ.د. کیفری مصوب ۱۳۷۸	۳۸۶
۸۳	۶۳۵	ماده ۴۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ مواد ۶۵۱ الی ۶۵۶ مجازات اسامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵	۳۹۰
۸۴	۶۳۶	لایحه قانونی احداث ترمینال‌های مسافربری و ممنوع بودن تردد اتومبیل‌های مسافربری بین‌شهری در داخل شهر تهران مصوب ۱۳۷۲	۳۹۵
۸۵	۶۳۷	ماده ۱۷۱ ق.آ.د. دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸	۴۰۴

ردیف	شماره رأی	مواد مرتبط	صفحه
۸۶	۶۳۸	ماده ۷۱۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵	۴۰۸
۸۷	۶۳۹	ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاههای عمومی انقلاب مصوب ۱۳۷۳ - ماده ۱۷۱ ق.آ دادرسی کیفری مصوب ۱۲۹۰	۴۱۳
۸۸	۶۴۰	ماده ۱۹ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ - ماده ۱۷۱ ق.آ دادرسی کیفری مصوب ۱۲۹۰	۴۱۹
۸۹	۶۴۱	مواد ۱۱ و ۱۳ قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵ اصلاحی ۷۲	۴۲۳
۹۰	۶۴۲	ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳	۴۲۸
۹۱	۶۴۳	ماده ۵۵۹ آ.د مدنی سابق ۱۳۱۸ و ماده ۲۳ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ و ماده ۱۲ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹	۴۳۲
۹۲	۶۴۴	ماده ۱ قانون تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و قاچاقچیان مسلح مصوب ۱۳۵۰	۴۳۸
۹۳	۶۴۵	ماده ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵	۴۴۲
۹۴	۶۴۶	تبصره ۱۲ قانون بودجه سال ۱۳۷۴ - اصل ۱۵۹ قانون اساسی - ماده ۱۰ قانون آیین دادرسی مدنی	۴۴۶
۹۵	۶۴۷	ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی مصوب ۱۳۱۳ و ۱۳۱۴ - ماده واحده قانون الحاق یک تبصره به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی مصوب ۱۳۷۶	۴۵۴
۹۶	۶۴۸	ماده ۲۳۵ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ و اصل ۱۶۱ قانون اساسی - ماده ۳۷۱ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹	۴۵۹
۹۷	۶۴۹	ماده ۱۲ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸	۴۶۳
۹۸	۶۵۰	-	۴۶۸
۹۹	۶۵۱	ماده ۲۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸	۴۶۹
۱۰۰	۶۵۲	ماده ۲۸ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳	۴۷۳
۱۰۱	۶۵۳	ماده ۱۱ قانون تجدیدنظر آراء دادگاهها مصوب ۱۳۷۳	۴۷۷
۱۰۲	۶۵۴	ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰	۴۸۱
۱۰۳	۶۵۵	اصل ۱۵۹ قانون اساسی	۴۸۵
۱۰۴	۶۵۶	ماده ۱۷۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ و قانون آ.د کیفری مصوب ۱۲۹۰	۴۸۹
۱۰۵	۶۵۷	ماده ۱۳۶ مکرر قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ - ماده ۱۴۰ آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸	۴۹۳

## رأی وحدت رویه شماره ۵۵۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

### موضوع

لزوم صدور حکم از ناحیه دادگاه حقوقی یک در مواردی که دادگاه مزبور در مقام تجدید نظر احکام دادگاه حقوقی دو عمل می کند.

### گزارش پرونده

ریاست معظم دیوان عالی کشور احتراماً به استحضار عالی می‌رساند: ریاست محترم دادگستری استان لرستان با ارسال تصویر دادنامه‌های ۱۷/۵۵۲ و ۱۸/۹۳۸/۶۵ صادره از شعبات ۱۷ و ۱۸ دیوان عالی کشور تقاضا نموده چنانچه مطلب قابل طرح در هیأت عمومی باشد اقدام فرمایید. با مطالبه پرونده‌های مربوطه خلاصه جریان آنان منعکس و سپس اظهار نظر می‌نماید.

۱- در پرونده شماره ۵۰۵/۶۵ آقای سید حسین جعفری متولی مدرسه علمیه حضرت امام خمینی در خرم‌آباد برای آقای نور محمد سالاری اظهارنامه‌ای ارسال و اظهار کرده ساختمان مدرسه مذکور موقوفه است و تحت تولیت اوست هنگام احداث آن شما مدتی به عنوان کارگر در آنجا کار کرده و مزد خود را دریافت نموده‌اید و در این مدت از لحاظ کمک و مساعدت به شما اجازه داده شده در طبقه زیرزمین بیتوته کنید اکنون که کارها تمام و تسویه حساب شده اخطار می‌شود ظرف ده روز از تاریخ رؤیت زیرزمین را تخلیه نمایید چون مخاطب تخلیه نکرده متولی به دادرسی خرم‌آباد مراجعه و تقاضای صدور حکم به رفع تصرف عدوانی نموده دادرسی خرم‌آباد با استماع اظهارات طرفین بشرح دادنامه به استناد ماده ۱۰ قانون تصرف عدوانی حکم به رفع تصرف عدوانی و خلع ید متصرف را صادر می‌نماید و از طرف محکوم علیه به حکم اعتراض شده و به دادگاه حقوقی یک خرم‌آباد دادخواست پژوهش می‌دهد و دادگاه مذکور به موجب نظریه ۲۸۱،۶۵ با استدلال این که رأی دادرسی شهرستان طبق موازین قانونی صادر شده نظر به رد پژوهش خواهی و تأیید حکم پژوهش خواسته داده و آقای نور محمد سالاری به

نظریه اعتراض و شعبه ۱۷ دیوان عالی کشور به موجب دادنامه ۱۷،۵۵۲-۶۶/۸/۲۰-۱۵ چنین رأی داده است.

نظر به این که نظریه کتبی شماره ۲۸۱-۶۵ شعبه دوم دادگاه حقوقی یک خرم‌آباد در مقام پژوهش‌خواهی از رأی مورخ ۱۳۶۵/۱/۲۰ داسرای عمومی خرم‌آباد صادر گردیده است و با توجه به ماده ۱۳ قانون تشکیل دادگاههای حقوقی یک و دو و با لحاظ موازین قانونی دادگاه موظف به صدور رأی می‌باشد نه اظهار نظر لذا مقرر می‌دارد دفتر پرونده را از آمار کسر و جهت اتخاذ تصمیم شایسته به مرجع مربوطه اعاده دهد.

۲- در پرونده شماره ۱۰۴۴،۵۵ آقای سید احمد امامی برای آقایان علیرضا و هوشنگ ساکنین قریه‌ای از توابع خرم‌آباد اظهارنامه‌ای ارسال و توضیح داده به موجب قرارداد تنظیمی مورخ ۳۷/۱۰/۱ شما به عنوان باغبان در ملک متعلق به اینجانب استیفای منفعت می‌نمایید و نظر به اینکه مدت قرارداد منقضی شده در اجرای ماده ۱۰ قانون تصرف عدوانی ظرف مدت ده روز نسبت به تخلیه باغ اقدام والا از طریق مقامات قضایی اقدام خواهد شد و چون باغبان ترتیب اثر نداده اظهار کننده به داسرای خرم‌آباد تظلم نموده و داسرا به موجب دادنامه ۶-۶۳ به استناد ماده ۱۰ قانون جلوگیری از تصرف عدوانی حکم به رفع تصرف عدوانی صادر کرده است و محکوم علیه اعتراض می‌نماید و دادگاه حقوقی یک با دعوت طرفین و استماع اظهارات آنان ختم رسیدگی اعلام و به موجب نظریه ۱۳۳-۶۵ به این استدلال که چون پژوهش خواه دلیلی که گسیختن رأی را ایجاب نماید اقامه نکرده نظر به تأیید حکم پژوهش خواسته داده است شعبه ۱۸ دیوان عالی کشور به موجب دادنامه ۶۵/۱۲/۲۴-۱۸/۹۳۸/۶۵ چنین رأی داده است.

رأی- بر استدلال و مبانی نظریه شعبه دوم دادگاه حقوقی یک خرم‌آباد اشکالی به نظر نرسیده ضمن تأیید آن مقرر می‌دارد پرونده جهت صدور رأی مقضی به دادگاه مذکور اعاده گردد.

### نظریه

همانطور که ملاحظه می‌فرمایید بین آراء شعب ۱۷ و ۱۸ دیوان عالی کشور در موضوع مشابه اختلاف وجود دارد بنا به مراتب به استناد قانون مربوط به وحدت رویه

مصوب سال ۱۳۲۸ تقاضای طرح موضوع را در هیأت عمومی محترم دیوان عالی کشور جهت اتخاذ رویه واحد می‌نماید.

معاون اول دادستان کل کشور - حسن فاخری

### جلسه وحدت رویه

جلسه وحدت رویه به تاریخ روز سه شنبه ۱۳۷۰/۲/۳ جلسه هیأت عمومی دیوان عالی کشور به ریاست حضرت آیت‌الله مرتضی مقتدایی رییس دیوان عالی کشور و باحضور جناب آقای مهدی ادیب رضوی نماینده دادستان محترم کل کشور و جنابان آقایان رؤسا و مستشاران شعب حقوقی و کیفری دیوان عالی کشور تشکیل گردید.

پس از طرح موضوع و قرائت گزارش و بررسی اوراق پرونده و استماع عقیده جناب آقای مهدی ادیب رضوی نماینده دادستان کل کشور مبنی بر: باتوجه به این که دادگاه حقوقی ۱ در مقام رسیدگی تجدید نظر به رأی دادسرا رسیدگی می‌نماید لذا نیازی به اصدار نظریه نیست و رأی شعبه هفدهم دیوان عالی کشور تأیید می‌شود. مشاوره نموده و اکثریت قریب به اتفاق بدین شرح رأی داده‌اند.

### متن رأی

رأی وحدت رویه شماره ۵۵۳-۱۳۷۰/۲/۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور ماده ۱۴ قانون تشکیل دادگاههای حقوقی یک و دو مصوب آذرماه ۱۳۶۴ راجع به نظر و استنباط قضایی دادگاه حقوقی یک و ارسال پرونده به دیوان عالی کشور به شرحی که در ماده مرقوم ذکر شده ناظر به موردی است که دادگاه حقوقی یک رسیدگی نخستین انجام می‌دهد اما اگر دادگاه حقوقی یک در مقام رسیدگی تجدید نظر نسبت به حکم دادگاه حقوقی ۲ یا حکم دادسرا باشد باید پس از خاتمه رسیدگی بر طبق ماده ۱۰ قانون تعیین موارد تجدید نظر احکام دادگاهها و نحوه رسیدگی آنها مصوب مهر ماه ۱۳۶۷ حکم صادر نماید. بنابراین رأی شعبه هفدهم دیوان عالی کشور صحیح و منطبق با موازین قانونی است. این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و برای دادگاهها در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.



## رأی وحدت رویه شماره ۵۵۴ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

### موضوع

عدم تأثیر تبدیل تعزیر به جزای نقدی در صلاحیت دادگاه‌های کیفری دو

روزنامه رسمی شماره ۱۳۴۷۴-۱۳۷۰/۳/۲۵

شماره ۱۳۶۴ هـ ۱۳۷۰/۲/۲۳

پرونده وحدت رویه ردیف: ۳/۷۰ هیأت عمومی

### گزارش پرونده

احتراماً به استحضار می‌رساند: شعب دوم و دوازدهم دیوان عالی کشور در استنباط از بند (۱) تبصره (۱۷) ماده واحده قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب بهمن ماه ۱۳۶۸ رویه‌های مختلف اتخاذ نموده‌اند که به این شرح است:

۱- به حکایت پرونده کلاسه ۳۳۰/۱/۲/۱۹ شعبه دوم دیوان عالی کشور آقای محسن کاشانی فرزند اکبر به اتهام جعل سند و استفاده از سند مجعول تحت پیگرد دادرسی عمومی تهران واقع شده و پس از تنظیم کیفرخواست پرونده به دادگاه کیفری ۲ تهران ارسال شده است دادگاه مزبور جرم ارتكابی را با ماده (۱۲۳) قانون تعزیرات منطبق دانسته ولی با اعمال بند (۱) تبصره (۱۷) ماده واحده قانون برنامه اول مصوب ۱۳۶۸ رسیدگی را در صلاحیت دادگاه کیفری یک تشخیص و قرار عدم صلاحیت صادر نموده و پرونده را به دادگاه کیفری یک تهران فرستاده است دادگاه کیفری یک هم رسیدگی به جرایم تعزیری را در صلاحیت دادگاه کیفری ۲ دانسته و قرار عدم صلاحیت صادر کرده و بر اثر اختلاف در امر صلاحیت پرونده برای حل اختلاف به دیوان عالی کشور ارسال و به شعبه دوم ارجاع شده و رأی شعبه مزبور به این شرح است:

چون قانونگذار در تصویب و انشای بند (۱) تبصره (۱۷) ماده واحده قانون برنامه اول توسعه اقتصادی کشور نظری به تغییر صلاحیت مراجع قضایی نداشته بلکه

در مواردی جزای نقدی را جایگزین حبس تعزیری نموده است بنابراین با تأیید صلاحیت دادگاه کیفری ۲ حل اختلاف می‌نماید.

۲- به حکایت پرونده کلاسه ۳۳۹۳/۲۴/۱۲ شعبه دوازدهم دیوان عالی کشور آقای غلامرضا آقاجان‌زاده هوشیار به اتهام جعل عنوان به استناد ماده (۴۴) قانون تعزیرات تحت تعقیب کیفری دادرسی عمومی تهران واقع شده و پس از تنظیم کیفرخواست پرونده برای رسیدگی به شعبه ۱۹۱ دادگاه کیفری ۲ تهران ارسال گردیده است دادگاه مزبور به این استدلال که جرم انتسابی به متهم مشمول قسمت اخیر بند (۱) تبصره (۱۷) قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور می‌باشد و دادگاه را مخیر به اجرای مجازات بیش از سه ماه حبس و یا جزای نقدی از ۷۰۰۰۱ ریال تا سه میلیون ریال می‌نماید لذا با توجه به بند (۱) از ماده (۷) قانون تشکیل دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲ رسیدگی در صلاحیت دادگاه کیفری یک می‌باشد و قرار عدم صلاحیت صادر می‌شود پس از ارسال پرونده به شعبه ۱۴۵ دادگاه کیفری یک تهران دادگاه مزبور هم رسیدگی را در صلاحیت دادگاه کیفری ۲ تشخیص و بر اثر اختلاف در امر صلاحیت پرونده به دیوان عالی کشور ارسال و به شعبه دوازدهم ارجاع گردیده و رأی شماره ۱۲/۹۰۶ مورخ ۱۳۶۹/۱۲/۱۸ شعبه مزبور به این شرح صادر گردیده است.

با توجه به محتویات پرونده امر در خصوص حدوث اختلاف نظر قضایی راجع به صلاحیت رسیدگی فیما بین دادگاه‌های کیفری ۲ و کیفری یک تهران با عنایت به قسمت اخیر بند (۱) تبصره (۱۷) قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و بند «د» ماده (۷) قانون تشکیل دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲ و شعب دیوان عالی کشور با اعلام صلاحیت دادگاه کیفری یک تهران و تأیید نظریه دادگاه کیفری ۲ تهران حل اختلاف می‌شود.

### نظریه

با توجه به مراتب مزبور شعب دوم و دوازدهم دیوان عالی کشور در استنباط از بند (۱) تبصره (۱۷) ماده واحده قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۸ رویه‌های مختلف اتخاذ نموده‌اند به این

توضیح که شعبه دوم دیوان عالی کشور اختیار قانونی حاکم دادگاه را در تعیین جزای نقدی به جای حبس تعزیری ولو اینکه تا مبلغ سه میلیون ریال باشد در امر صلاحیت دادگاه کیفری ۲ بی تأثیر دانسته و صلاحیت دادگاه کیفری ۲ را تابع مجازات تعیین شده در قانون شناخته است ولی شعبه ۱۲ دیوان عالی کشور تعیین جزای نقدی به جای حبس تعزیری را در صلاحیت دادگاه کیفری ۲ مؤثر دانسته و به استناد بند «د» ماده (۷) قانون تشکیل دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲ مصوب ۱۳۶۸ رسیدگی را در صلاحیت دادگاه کیفری یک تشخیص نموده است.

در رسیدگی به این اختلاف نظر مادتهای (۷ و ۸) قانون تشکیل دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲ شعب دیوان عالی کشور مصوب ۱۳۶۸ قابل توجه می‌باشد از این حیث که صلاحیت هر یک از دادگاه‌های کیفری یک و کیفری ۲ را تابع اصل مجازاتی قرار داده که در قانون به آن تصریح گردیده است.

معاون اول قضایی دیوان عالی کشور - فتح اییوری

### جلسه وحدت رویه

به تاریخ روز سه‌شنبه ۱۳۷۰/۲/۱۰ جلسه هیأت عمومی دیوان عالی کشور به ریاست رییس دیوان عالی کشور و با حضور نماینده دادستان محترم کل کشور و جنابان آقایان رؤسا و مستشاران شعب کیفری و حقوقی دیوان عالی کشور تشکیل گردید، پس از طرح موضوع و قرائت گزارش و بررسی اوراق پرونده و استماع عقیده نماینده دادستان محترم کل کشور مبنی بر: «با توجه به بند (د) ماده (۷) قانون تشکیل دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲ و شعب دیوان عالی کشور که رسیدگی به جرایمی که مجازات آن بیش از دویست هزار تومان جزای نقدی باشد را در صلاحیت دادگاه کیفری یک قرار داده و با عنایت به فراز دوم بند ۱ تبصره (۱۷) ماده واحده قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۶۸ که حداکثر جزای نقدی را تا سه میلیون ریال مقرر کرده بنابراین رسیدگی به موضوع در صلاحیت دادگاه کیفری یک می‌باشد و رأی شعبه دوازدهم دیوان عالی کشور تأیید می‌شود.» مشاوره نموده و اکثریت بدین شرح رأی داده‌اند:

### متن رأی

رأی وحدت رویه شماره ۵۵۴-۱۳۷۰/۲/۱۰ هیأت عمومی دیوان عالی کشور صلاحیت دادگاه‌های کیفری یک و کیفری ۲ در مادتين (۷ و ۸) قانون تشکیل دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲ و شعب دیوان عالی کشور مصوب تیرماه ۱۳۶۸ معین شده و تابع مجازاتی می‌باشد که قانون برای هریک از انواع جرایم مقرر داشته است بند (۱) تبصره (۱۷) ماده واحده قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۸ هم به دادگاه اختیار داده است که در بعضی از جرایم تعزیری به جای حبس یا آن مجازات تعزیری حکم به جزای نقدی از هفتاد هزار و یک ریال تا سه میلیون ریال صادر نماید. بنابراین استفاده دادگاه از اختیار مزبور تأثیری در اصل صلاحیت دادگاه کیفری ۲ ندارد و رأی شعبه دوم دیوان عالی کشور که بر مبنای این نظر صادر شده صحیح تشخیص می‌شود. این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و برای دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

## رأی وحدت رویه شماره ۵۵۵ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

### موضوع

غیر قابل تجدید نظر بودن قرار رد درخواست اعاده دادرسی در دیوان عالی کشور

### گزارش پرونده

ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عالی کشور احتراماً به استحضار می‌رساند: شعب اول و سیزدهم دیوان عالی کشور در رسیدگی تجدید نظر نسبت به قرار رد درخواست اعاده دادرسی از حکم دادگاه حقوقی یک که مرجع تجدید نظر حکم دادگاه حقوقی ۲ بوده رویه‌های مختلف اتخاذ نموده‌اند که به این شرح است:

۱- به حکایت پرونده کلاسه ۴۷۵۸،۱،۱ شعبه اول دیوان عالی کشور آقای غلام عباس اسلامی بطرفیت آقای محمدکاظم انصاری و غیره به خواسته مطالبه حقوق زارعانه خود در دادگاه حقوقی ۲ یزد اقامه دعوی نموده و دادگاه پس از رسیدگی و کارشناسی خواهان را در مطالبه مبلغ ۱۴۱ هزار تومان ذیحق شناخته و به نفع او حکم صادر نموده است محکوم علیهم از این حکم تجدید نظر خواسته‌اند و شعبه دوم دادگاه حقوقی یک یزد که مرجع رسیدگی تجدید نظر بوده پس از این که مبلغ خواسته تقلیل یافته است حکم دادگاه حقوقی ۲ یزد را نسبت به مبلغ ۱۲۹ هزار تومان تأیید نموده است محکوم علیهم از این حکم درخواست اعاده دادرسی نموده‌اند شعبه دوم دادگاه حقوقی یک یزد درخواست اعاده دادرسی را با هیچ یک از موارد مذکور در ماده ۵۹۲ قانون آیین دادرسی مدنی منطبق ندانسته و قرار شماره ۴۸۲-۶۸،۱۲،۱۴ را بر رد درخواست اعاده دادرسی صادر نموده است آقایان محمدکاظم انصاری و ابوالقاسم مینائی و بانو فاطمه انصاری از قرار رد درخواست اعاده دادرسی تجدید نظر خواسته‌اند و شعبه اول دیوان عالی کشور رأی شماره ۶۱۱،۱،۶۹ را صادر کرده که به این شرح است:

از ناحیه تجدید نظر خواهان اعتراض موجه و مؤثری نسبت به قرار تجدید نظر

خواسته به عمل نیامده است و تجدید نظر خواهی منطبق با هیچیک از شقوق ماده ۱۲ از قانون تشکیل محاکم حقوقی ۱ و ۲ و بند ب از ماده ۶ قانون تعیین موارد تجدید نظر احکام دادگاهها و نحوه رسیدگی آنها نیست و رد می‌شود.

۲- به حکایت پرونده کلاسه ۵۰۱۵،۱۳،۳ شعبه سیزدهم دیوان عالی کشور آقای محمد باقر اعتمادی دعوایی به خواسته تخلیه یک دستگاه آپارتمان استیجاری بطرفیت آقای صفرعلی عبدی در دادگاه حقوقی ۲ تهران مطرح ساخته و شعبه ۶۲ دادگاه حقوقی ۲ تهران پس از رسیدگی دعوی را ثابت ندانسته و حکم شماره ۱۱۲-۶۷/۲/۱۰ را بر بطلان دعوی خواهان صادر نموده است وکیل محکوم علیه از این حکم تجدید نظر خواسته و شعبه ۳۹ دادگاه حقوقی یک تهران با رسیدگی‌های لازم حکم شماره ۳۲-۶۹/۲/۸ را بر تأیید حکم شعبه ۶۲ دادگاه حقوقی ۲ تهران صادر کرده است. وکیل آقای محمدباقر اعتمادی از حکم دادگاه حقوقی یک درخواست اعاده دادرسی نموده و شعبه ۳۹ دادگاه حقوقی یک تهران مورد را از موارد و جهات قانونی اعاده دادرسی ندانسته و قرار شماره ۳۹-۶۹/۴/۲۴ را به رد درخواست اعاده دادرسی صادر نموده است وکیل آقای محمدباقر اعتمادی از این قرار تجدید نظر خواسته و شعبه ۱۳ دیوان عالی کشور رأی شماره ۱۳/۴۷۹-۶۶/۶/۲۱ را به این شرح صادر نموده است.

نظر به این که حکم مورد استدعای اعاده دادرسی از دادگاه حقوقی یک در مقام رسیدگی تجدید نظر نسبت به حکم شعبه ۶۲ دادگاه حقوقی ۲ تهران صادر شده که قابل رسیدگی تجدید نظر نبوده و قطعی است لذا دادنامه تجدید نظر خواسته نسبت به همین حکم به تبع آن قطعی بوده و قابلیت طرح در دیوان عالی کشور در مقام رسیدگی تجدید نظر ندارد و قرار رد دادخواست تجدید نظر صادر می‌شود.

### نظریه

بنابر آنچه ذکر شد آراء شعب اول و سیزدهم دیوان عالی کشور در موضوعات مشابه به صورت مختلف صادر شده به این توضیح که شعبه اول دیوان عالی کشور قرار رد درخواست اعاده دادرسی از حکم دادگاه حقوقی یک را که مرجع رسیدگی تجدید نظر حکم دادگاه حقوقی ۲ بوده قابل رسیدگی تجدید نظر شناخته‌النهابه مورد را از

موارد مذکور در ماده ۱۲ قانون تشکیل دادگاههای حقوقی ۱ و ۲ مصوب ۱۳۶۴ و بند ب ماده ۶ قانون تعیین موارد تجدید نظر احکام دادگاهها مصوب ۱۳۶۷ ندانسته است ولی شعبه سیزدهم دیوان عالی کشور به اعتبار غیر قابل تجدید نظر بودن حکم دادگاه حقوقی یک که خود مرجع رسیدگی تجدیدی نظر بوده اصولاً قرار رد درخواست اعاده دادرسی از حکم مزبور را قابل رسیدگی تجدید نظر نشناخته است. در رسیدگی به این اختلاف نظر تبصره ماده ۳۵ قانون تشکیل دادگاههای کیفری ۱ و ۲ و شعب دیوان عالی کشور مصوب ۱۳۶۸ و ماده ۵۲۴ قانون آیین دادرسی مدنی قابل توجه می‌باشد.

معاون اول قضایی دیوان عالی کشور - فتح‌الله یآوری

### جلسه وحدت رویه

جلسه وحدت رویه به تاریخ روز سه شنبه ۱۳۷۰/۲/۱۰ جلسه هیأت عمومی دیوان عالی کشور به ریاست حضرت آیت‌الله مرتضی مقتدایی رییس دیوان عالی کشور و باحضور جناب آقای مهدی ادیب رضوی نماینده دادستان محترم کل کشور و جنابان آقایان رؤسا و مستشاران شعب حقوقی و کیفری دیوان عالی کشور تشکیل گردید.

پس از طرح موضوع و قرائت گزارش و بررسی اوراق پرونده و استماع عقیده جناب آقای مهدی ادیب رضوی نماینده دادستان کل کشور مبنی بر: «باتوجه به این که اعاده دادرسی از طرق فوق‌العاده رسیدگی به احکام قطعی می‌باشد لذا اگر مورد اعاده دادرسی منطبق با شقوق مندرج در ماده ۵۹۲ قانون آیین دادرسی مدنی باشد ورود و رسیدگی به این موضوع بلامانع است بنابراین رأی شعبه اول - دیوان عالی کشور تأیید می‌شود.» مشاوره نموده و اکثریت بدین رأی داده‌اند.

### متن رأی

رأی وحدت رویه شماره ۵۵۵ - ۱۳۷۰/۲/۱۰ هیأت عمومی دیوان عالی کشور قرار رد درخواست اعاده دادرسی از حکمی که دادگاه حقوقی یک در مرحله رسیدگی تجدید نظر صادر نماید به اعتبار قطعی بودن حکم راجع به اصل دعوی

قطعی محسوب و قابل رسیدگی تجدید نظر در دیوان عالی کشور نیست. بنابراین رأی شعبه سیزدهم دیوان عالی کشور صحیح تشخیص می‌شود. این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و برای دادگاهها در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.



## رأی وحدت رویه شماره ۵۵۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

### موضوع

صلاحیت دیوان عدالت اداری در رسیدگی به شکایات مردم از شهرداری در مورد خودداری از صدور پروانه ساختمان

### گزارش پرونده

احتراماً به استحضار می‌رساند: یکی از وکلای دادگستری با ارسال تصویر رأی شماره ۱۹۶-۱۳۶۴/۳/۶ شعبه نهم دادگاه صلح اصفهان و تصویر رأی شماره ۷۸۱-۱۴/۸/۱۳۶۶ شعبه دهم دادگاه حقوقی ۲ اصفهان اعلام نموده است از شعب مزبور در مورد الزام شهرداری به صدور پروانه ساختمان آراء مختلفی صادر شده و تقاضای طرح موضوع را در هیأت عمومی دیوان عالی کشور نموده که به شرح آتی خلاصه جریان پرونده‌ها معروض می‌گردد.

۱- به موجب پرونده مطروحه در شعبه نهم دادگاه صلح اصفهان در تاریخ ۱۳۶۴/۳/۱۹ دادخواستی به خواسته الزام به صدور پروانه ساختمان به منظور احداث ساختمان جدید علیه شهرداری ناحیه ۴ اصفهان تقدیم و توضیح داده شده است موکل دارای دو باب مغازه می‌باشد که به علت قدمت ساختمان قصد تجدید بنا دارد و برای تجدید بنا به شهرداری مراجع نموده و شهرداری از صدور پروانه امتناع نموده است چون عمل شهرداری خلاف قانون است به استناد قسمت اخیر بند ۱ ماده ۱۵ قانون روابط موجر و مستأجر مصوب سال ۱۳۵۶ تقاضای رسیدگی و صدور حکم بر الزام شهرداری به صدور پروانه ساختمان را با احتساب خسارت دارد و دادگاه پس از رسیدگی به موجب رأی شماره ۱۹۶ - ۱۳۶۴/۳/۶ به استناد ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری دعوی را در صلاحیت مرجع یاد شده دانسته و حکم به رد دعوی صادر نموده است که این رأی در شعبه چهارم دادگاه عمومی حقوقی اصفهان قرار عدم صلاحیت تلقی و پرونده به دیوان عدالت اداری ارسال شده است شعبه دهم دیوان عدالت به موجب رأی شماره ۳۷-۱۳۶۷/۲/۶ حکم بر الزام شهرداری به

صدور پروانه مورد درخواست با رعایت مقررات مربوطه صادر نموده است. ۲- به موجب پرونده مطروحه در شعبه دهم دادگاه حقوقی ۲ اصفهان دادخواستی به خواسته الزام به صدور پروانه ساختمان بطرفیت شهرداری ناحیه یک اصفهان تقدیم گردیده و توضیح داده شده است از شهرداری اصفهان تقاضای صدور پروانه ساختمان نموده و شهرداری صدور پروانه را موقوف به ارائه توافق‌نامه از طرف مالک و مستأجر نموده است و چون عمل شهرداری خلاف قانون است به استناد بند ۱ ماده ۱۵ قانون روابط موجر و مستأجر که شهرداری را مکلف به صدور پروانه ساختمانی نموده تقاضای صدور حکم بر محکومیت شهرداری کرده است و دادگاه پس از رسیدگی به موجب رأی ۷۸۱-۱۳۶۶/۸/۱۴ دعوی خواهان را ثابت تشخیص و خوانده را به صدور پروانه نوسازی محکوم نموده است ضمناً حسب گواهی مضبوط در پرونده از طرف شهرداری تقاضای تجدید نظر به عمل نیامده و رأی قطعی گردیده است. اینک بشرح ذیل مبادرت به اظهار نظر می‌نماید.

### نظریه

همانطور که ملاحظه می‌فرمایید بین آراء شعبه نهم دادگاه صلح اصفهان و شعبه دهم دادگاه حقوقی ۲ اصفهان در دو مورد مشابه یعنی الزام شهرداری به صدور پروانه ساختمان آراء مختلفی صادر گردیده است بنا به مراتب به استناد ماده ۳ اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۳۷ تقاضای طرح موضوع را در هیأت عمومی محترم دیوان عالی کشور جهت اتخاذ رویه واحد دارد. معاون اول دادستان کل کشور - حسن فاختری

### جلسه وحدت رویه

جلسه وحدت رویه به تاریخ روز سه شنبه ۱۳۷۰/۲/۱۰ جلسه هیأت عمومی دیوان عالی کشور به ریاست حضرت آیت‌الله مرتضی مقتدایی رییس دیوان عالی کشور و باحضور جناب آقای مهدی ادیب رضوی نماینده دادستان محترم کل کشور و جنابان آقایان رؤسا و مستشاران شعب حقوقی و کیفری دیوان عالی کشور تشکیل گردید پس از طرح موضوع و قرائت گزارش و بررسی اوراق پرونده و استماع عقیده

جناب آقای مهدی ادیب رضوی نماینده دادستان کل کشور مبنی بر: «با توجه به ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری چون رسیدگی به شکایات در مورد تصمیمات و اقدامات سازمانهای دولتی و شهرداریها در صلاحیت دیوان عدالت اداری است بنابراین رأی شعبه نهم دادگاه صلح اصفهان موجه تشخیص و تأیید می‌گردد.» مشاوره نموده و اکثریت بدین شرح رأی داده‌اند.

### متن رأی

رأی وحدت رویه شماره ۵۵۶- ۱۳۷۰/۲/۱۰ هیأت عمومی دیوان عالی کشور صلاحیت دیوان عدالت اداری در رسیدگی به شکایات و تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی در ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری مصوب بهمن ماه ۱۳۶۰ تصریح شده و از آن جمله شکایت از شهرداریها بشرح قسمت اخیر بند «پ» از شق یک ماده مرقوم به جهت تخلف در اجرای قوانین و مقررات یا خودداری از انجام وظایفی است که موجب تضییع حقوق اشخاص می‌شود بنابراین رسیدگی به شکایت مردم از شهرداریها در مورد خودداری از صدور پروانه ساختمان در صلاحیت دیوان عدالت اداری می‌باشد و رأی شعبه نهم دادگاه صلح سابق اصفهان صحیح و منطبق با موازین قانونی است. این رأی بر طبق ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب مرداد ماه ۱۳۳۷ برای دادگاهها در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

## رأی وحدت رویه شماره ۵۵۷ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

### موضوع

طرح دعوی علیه کارخانه‌هایی که به ثبت رسیده‌اند.

### گزارش پرونده

ریاست معظم دیوان عالی کشور احتراماً به استحضار می‌رساند: آقای معاون اول محترم قضایی دیوان عالی کشور طی نامه شماره ۲۵۵۲۸-۶۷/۵/۱۸ به دادسرای دیوان عالی کشور مرقوم داشته‌اند آقای رییس دادگستری شیروان دو نسخه رونوشت آراء شعب ۱۸ و ۲۳ دیوان عالی کشور را ارسال و تقاضا نموده‌اند موضوع در هیأت عمومی دیوان عالی مطرح گردد اینک خلاصه جریان پرونده‌های مذکور معروض می‌گردد.

۱- آقای علی‌اکبر غلامحسین‌زاده با تقدیم دادخواست به دادگاه حقوقی شیروان علیه کارخانه قند شیروان به مبلغ ۲۰۰۸۵۹۰ ریال وجه لاستیک‌های خریداری شده برای تریلرهای کارخانه را مطالبه می‌نماید دادگاه مزبور مبادرت به صدور حکم غیابی شماره ۳۲/۱۰۵۷-۱۳۶۶/۱۲/۱۹-۱۳۶۶/۱۲/۱۹ علیه کارخانه قند شیروان و له خواهان می‌نماید و چون حکم مزبور مورد اعتراض و واخواهی کارخانه قند شیروان قرار می‌گیرد دادگاه یاد شده در مقام رسیدگی واخواهی به استناد مقررات ماده ۶ قانون حمایت صنعتی و جلوگیری از تعطیل کارخانه‌های کشور طلب خواهان را ثابت تشخیص و حکم غیابی را بشرح رأی ۵۶،۲۹۷-۶۴/۴/۲۹ تأیید کرده است از حکم مذکور فرجام‌خواهی شده و شعبه ۱۸ دیوان عالی کشور بشرح دادنامه ۱۸،۲۰،۶۵-۶۵/۱/۱۱ چنین رأی داده است.

رأی- ایراد و اعتراض موجه و مدلی که قابل توجه و امعان نظر باشد و نقض رأی فرجام‌خواسته را ایجاب نماید به عمل نیامده و از حیث رعایت اصول و قواعد دادرسی نیز اشکالی به نظر نمی‌رسد و ابرام می‌گردد.

- آقای غلامحسین با دیانت دادخواستی به خواسته مطالبه بهای ملزومات و ماشین

حسابهای خریداری شده و غیره به مبلغ ۱,۵۱۷۶۴۰ ریال بطرفیت کارخانه قند شیروان به دادگاه عمومی شیروان تقدیم می‌دارد و دادگاه با صدور حکم شماره ۳۱,۱۰۵۶-۶۳/۱۲/۱۹-۱۹ خوانده را غیاباً محکوم به پرداخت اصل خواسته در حق خواهان می‌نماید حکم صادره مورد واخواهی محکوم علیه غیابی قرار گرفته و دادگاه حقوقی شیروان با استناد به مقررات ماده ۶ قانون حمایت صنعتی و جلوگیری از تعطیل کارخانه‌های کشور دعوی خواهان را موجه تشخیص و حکم به تأیید دادنامه غیابی صادر کرده است از حکم صادره فرجام‌خواهی شده و شعبه ۲۳ دیوان عالی کشور بشرح دادنامه ۲۳,۸۳-۶۶/۲/۱۶-۲۳ چنین رأی داده است:

رأی- اعتراض وکیل فرجام‌خواه ملاً وارد و بر دادنامه فرجام خواسته اشکال متوجه است زیرا به دلالت اوراق پرونده و مندرجات نامه شماره ۱۸-۳۴۰-۵۸/۸/۹ وزیر مشاور در امور اجرایی هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۵۷,۸,۹ بنا به پیشنهاد وزارت کار و امور اجتماعی و موافقت وزارت صنایع و معادن به استناد ماده ۴۶ قانون کار و ماده ۱۲ قانون حمایت صنعتی و جلوگیری از تعطیل کارخانه‌های کشور مصوب خرداد ماه ۱۳۴۳ اداره کارخانه قند شیروان را به عهده هیأت حمایت از صنایع محول نموده و هیأت حمایت از صنایع هم به موجب حکم شماره ۵۹/۷/۱۴-۶۶۸۱ سه نفر را به عنوان هیأت عامل کارخانه قند شیروان منصوب کرده تا با رعایت قوانین و مقررات مربوط به کارخانجات تحت نظر حمایت از صنایع وظایف محوله را انجام دهند و چون به موجب ماده ۱ قانون حمایت صنعتی و جلوگیری از تعطیل کارخانه‌های کشور هیأت مذکور در ماده ۱ این قانون دارای شخصیت حقوقی می‌باشد و بشرح مذکور در فوق اداره کارخانه قند شیروان بطور کلی به هیأت مذکور واگذار شده و شخصیت حقوقی این هیأت مستقل و جدا از شخصیت حقوقی کارخانه است بنابراین طرح دعوی از جانب فرجام خوانده بطرفیت کارخانه قند شیروان که اداره آن به عهده هیأت حمایت از صنایع محول گردیده و جهات قانونی نداشته و دعوی بطرفیت کارخانه قند مسموع نمی‌باشد از این رو با لحاظ مفهوم مخالف ماده ۵۶۲ و ذیل ماده ۵۸۸ قانون آیین دادرسی مدنی دادنامه فرجام خواسته نقض می‌شود و توجهاً به مفاد ماده ۱۶ قانون تشکیل دادگاههای حقوقی یک و دومصوب آذر ماه ۶۴ رسیدگی مجدد به دادگاه حقوقی یک شیروان محول

می‌گردد بدهی است در صورتی که دادگاه حقوقی یک شیروان شعبه واحد و آقایان رییس یا دادرس دادگاه در پرونده مطروحه سبق اظهار عقیده قضایی داشته باشند وفق ماده ۲۱۴ قانون آیین دادرسی مدنی رسیدگی مجدد را به نزدیک‌ترین دادگاه حقوقی یک رجوع خواهند نمود. با توجه به مراتب اینک مبادرت به اظهار نظر می‌نماید.

### نظریه

همانطور که ملاحظه می‌فرمایید بین آراء شعب ۱۸ و ۲۳ دیوان عالی کشور در موضوعات مشابه اختلاف حاصل شده است بنا به مراتب به استناد قانون مربوط به وحدت رویه مصوب سال ۱۳۲۸ تقاضای طرح موضوع را در هیأت عمومی دیوان عالی کشور جهت اتخاذ رویه واحد دارد. معاون اول دادستان کل کشور - حسن فاخری

### جلسه وحدت رویه

به تاریخ روز سه‌شنبه ۱۳۷۰/۳/۷ جلسه وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور به ریاست حضرت آیت‌الله مرتضی مقتدایی رییس دیوان عالی کشور و با حضور جناب آقای مهدی ادیب رضوی نماینده دادستان محترم کل کشور و جنابان آقایان رؤسا و مستشاران شعب کیفری و حقوقی دیوان عالی کشور تشکیل گردید. پس از طرح موضوع و قرائت گزارش و بررسی اوراق پرونده و استماع عقیده جناب آقای مهدی ادیب رضوی نماینده دادستان کل کشور، مبنی بر: «طرح‌دعوی بطرفیت کارخانه قند شیروان که دارای شخصیت حقوقی است بلاشکال می‌باشد و هیأت مدیره یا قائم مقام قانونی آنها مکلف به پاسخگویی به دعوی می‌باشند. لذا رأی شعبه ۱۸ دیوان عالی کشور تأیید می‌شود.» مشاوره نموده و اکثریت بدین شرح رأی داده‌اند.

### متن رأی

رأی وحدت رویه شماره ۵۵۷-۱۳۷۰/۳/۷ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

دعوی بستانکاران برای وصول بدهی کارخانه‌هایی که به ثبت رسیده و دارای شخصیت حقوقی باشند باید علیه کارخانه اقامه شود النهایه در مواردی که طبق قانون حمایت صنعتی و جلوگیری از تعطیل کارخانه‌های کشور مصوب خرداد ماه ۱۳۴۳ مدیر یا مدیرانی برای اداره امور کارخانه معین شده باشد جوابگویی از دعوی با مدیر یا مدیران مزبور خواهد بود. بنابراین رأی شعبه هیجدهم دیوان عالی کشور که بر اساس این نظر صادر شده صحیح تشخیص می‌شود. این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

## رأی وحدت رویه شماره ۵۵۸ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

### موضوع

صلاحیت دیوان عدالت اداری در رسیدگی به شکایات عدم صدور پروانه کمک داندیشکی

### گزارش پرونده

ریاست معظم دیوان عالی کشور احتراماً به استحضار می‌رساند: یکی از وکلای دادگستری با توجه به آراء صادره از طرف دادگاههای حقوقی تهران در خصوص تقاضای صدور پروانه کمک دندانان پزشکی تقاضای طرح موضوع را در هیأت عمومی دیوان عالی کشور نموده و سپس همین تقاضا از ناحیه آقای وکیل وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی به عمل آمده است که با مطالبه و ملاحظه پرونده‌های مربوطه بشرح ذیل خلاصه جریان آنان معروض می‌گردد.

۱- طبق محتویات پرونده کلاسه ۱۴۹/۶۱ شعبه ۲۴ دادگاه سابق عمومی حقوقی تهران دادخواستی بطرفیت وزارت بهداشت و درمان آموزش پزشکی به خواسته صدور پروانه کمک دندانپزشک تجربی تقدیم دادگاه شده و دادگاه پس از رسیدگی و استماع اظهارات خواهان مبنی بر این که برابر قانون اشتغال کمک دندانپزشکان مصوب ۱۳۵۴/۱۰/۸ استحقاق دریافت پروانه را داشته و خوانده از صدور آن امتناع نموده است حکم محکومیت وزارتخانه فوق‌الذکر را به صدور پروانه مورد بحث صادر که از ناحیه محکوم‌علیه فرجام خواهی شده و شعبه ۱۸ دیوان عالی کشور برابر رأی شماره ۱۳۶۲/۵/۲۳-۱۸/۳۹۵ رأی فرجام خواسته را خالی از اشکال تشخیص و آن را ابرام نموده است.

۲- طبق پرونده کلاسه ۹۹/۶۵ شعبه ۳۸ دادگاه حقوقی یک تهران خواهان دادخواستی بطرفیت وزارت بهداشتی به خواسته صدور پروانه کمک دندانپزشک تجربی تقدیم دادگاههای حقوقی یک تهران شده پس از ارجاع و رسیدگی و کسب نظر مشاور دادگاه بشرح نظریه مورخ ۱۳۶۶/۴/۲۷ ادعای خواهان را موجه دانسته و اظهار نموده که وزارت بهداشتی باید به خواهان پروانه بدهد و نظریه مورد اعتراض



واقع شده و شعبه اول دیوان عالی کشور بشرح رأی شماره ۱/۵۵۵ مورخ ۶۶/۹/۲۳ نظریه فوق را موافق موازین قانونی تشخیص و پرونده را به دادگاه اعاده داده که بر اساس آن دادنامه شماره ۲۴۹-۳/۱۰/۶۶ به نفع خواهان صادر گردیده است.

۳- پرونده کلاسه ۲۳۷۸،۶۱ شعبه ۱۱ دادگاه عمومی حقوقی سابق تهران حاکمیت دادخواستی به خواسته الزام به صدور پروانه کمک دندانپزشکی تجربی بطرفیت وزارت بهداشتی تقدیم دادگاهها شده و آقای وکیل خواننده با اشاره به ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری به صلاحیت دادگاه ایراد نموده است و دادگاه ایراد را وارد دانسته و با صدور قرار عدم صلاحیت پرونده را به دیوان مذکور ارسال که در شعبه ۱۲ مطرح و برابر دادنامه شماره ۵۴۲ مورخ ۶۳/۹/۲۰ شاکی را محق دانسته و وزارت بهداشتی را به صدور پروانه مورد ادعا ملزم کرده است و از این رأی تجدید نظرخواهی شده و مرجع مذکور به موجب رأی شماره ۱۰۳ مورخ ۶۶/۷/۱ با این توجیه که در زمان قانون استنادی شاکی دارای سن سی سال تمام نبوده و مدت عمر قانون استنادی سرآمده دادنامه را مخدوش دانسته و به رد شکایت اظهار نظر کرده است.

۴- شرح پرونده کلاسه ۴۰۹/۶۵ شعبه ۱۲ دادگاه حقوقی یک تهران دادخواستی به خواسته موارد مذکور بطرفیت وزارتخانه فوق تقدیم دادگاههای حقوقی ۲ تهران شده و شعبه ۷۰ قرار عدم صلاحیت خود را به اعتبار صلاحیت حقوقی یک اعلام که پرونده به شعبه ۱۲ حقوقی یک ارجاع و این شعبه بشرح رأی شماره ۱۶۷-۶۶/۴/۱۵ با استناد به ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت رسیدگی به موضوع در صلاحیت دیوان مذکور تشخیص و قرار عدم صلاحیت خود را صادر نموده است و شعبه اول دیوان عدالت برابر دادنامه شماره ۱۴۳-۱۳۶۶/۷/۲۵ با این استدلال که شاکی در تاریخ ۵۴/۲/۸ دارای سی سال سن نبوده و اصلاح بعدی شناسنامه هم تأثیری در قضیه ندارد حکم به رد شکایت خواهان صادر نموده است. اینک بشرح آتی مبادرت به اظهار نظر می‌نماید.

### نظریه

همانطور که ملاحظه می‌فرمایید بین آراء شعب ۲۴ و ۳۸ دادگاههای حقوقی یک از یک طرف و شعب ۱۱ و ۱۲ دادگاههای حقوقی یک تهران از طرف دیگر در موارد

مشابه آراء مختلف صادر گشته است یعنی دو شعبه ۲۴ و ۳۸ در خصوص خواسته خواهان رسیدگی و مبادرت به صدور حکم نموده‌اند ولی دو شعبه دیگر مشابه همان دعاوی را در صلاحیت دیوان عدالت اداری دانسته‌اند که در دیوان مذکور رسیدگی و اتخاذ تصمیم شده است بنا به مراتب به استناد ماده ۳ قانون اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۳۷ تقاضای طرح موضوع را در هیأت عمومی محترم دیوان عالی کشور جهت اتخاذ رویه واحد دارد. معاون اول دادستان کل کشور - حسن فاخری جلسه وحدت رویه به تاریخ روز سه شنبه ۱۳۷۰/۳/۷ جلسه وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور به ریاست حضرت آیت‌الله مرتضی مقتدایی رییس دیوان عالی کشور و با حضور جناب آقای مهدی ادیب رضوی نماینده دادستان محترم کل کشور و جنابان آقایان رؤسا و مستشاران شعب کیفری و حقوقی دیوان عالی کشور تشکیل گردید.

پس از طرح موضوع و قرائت گزارش و بررسی اوراق پرونده و استماع عقیده جناب آقای مهدی ادیب رضوی نماینده دادستان کل کشور مبنی بر: «چون رسیدگی به شکایت از تصمیمات سازمان‌های اداری برابر ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری با مرجع مذکور می‌باشد لذا آراء شعب ۱۱ و ۱۲ حقوقی یک تهران تأیید می‌شود.» مشاوره نموده و اکثریت قریب به اتفاق بدین شرح رأی داده‌اند.

### متن رأی

رأی وحدت رویه شماره ۵۵۸-۱۳۷۰/۳/۷ هیأت عمومی دیوان عالی کشور رسیدگی به درخواست صدور پروانه کمک دندان پزشکی تجربی و احراز شرایط متقاضی از جمله وظایف و اختیارات اداری وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است و جنبه ترافعی ندارد تا مستلزم رسیدگی در محاکم عمومی دادگستری باشد بنابراین آراء صادره از شعب یازدهم و دوازدهم دادگاه حقوقی تهران که بر طبق بند الف از شق یک ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری مصوب بهمن ماه ۱۳۶۰ رسیدگی را در صلاحیت دیوان عدالت اداری تشخیص داده‌اند صحیح و منطبق با موازین قانونی است. این رأی بر طبق ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۳۷ برای دادگاهها در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

## رأی وحدت رویه شماره ۵۵۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

### موضوع

صلاحیت دادگاه مدنی خاص در رسیدگی به نفوذ وصیت به زیاده بر  
ثلث

### گزارش پرونده

ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عالی کشور احتراماً به استحضار می‌رساند: شعب ۲۵ و ۲۹ دیوان عالی کشور در دعوی ابطال وصیت‌نامه رسمی نسبت به مازاد ثلث موضوع ماده ۸۴۹ قانون مدنی و صلاحیت دادگاه در رسیدگی به این نوع دعاوی با توجه بند ۲ از ماده ۳ لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص مصوب مهر ماه ۱۳۵۸ شورای انقلاب رویه‌های مختلفی اتخاذ نموده‌اند که به این شرح است:

۱- به حکایت پرونده ۵۱۷۹/۲۵/۶ شعبه ۲۵ دیوان عالی کشور آقای حسینعلی نصیری فروش بطرفیت بانوان راضیه و ایران آزاد مرد به خواسته ابطال وصیت‌نامه رسمی شماره-۱۹۷۶۹-۱۳۶۲/۸/۲۱ دفترخانه بابل در دادگاه مدنی خاص بابل اقامه دعوی نموده و مدعی شده‌اند که مورد وصیت زائد از ثلث می‌باشد وصیت‌نامه رسمی مزبور نسبت به مازاد از ثلث باطل است دادگاه مدنی خاص بابل رسیدگی به دعوی را در صلاحیت دادگاه حقوقی تشخیص داده و قرار عدم صلاحیت صادر کرده و دادگاه حقوقی یک بابل هم در تاریخ ۱۳۶۹/۷/۱۱ رسیدگی را در صلاحیت دادگاه مدنی خاص دانسته و اعلام عدم صلاحیت نموده و بر اثر اختلاف در امر صلاحیت پرونده بر طبق ماده ۵ لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص به دیوان عالی کشور ارسال و شعبه ۲۵ دیوان عالی کشور رأی شماره ۶۳۵/۲۵-۶۹/۹/۲۶ را به این شرح صادر نموده است:

نظر به خواسته دعوی و لایحه مورخ ۶۹/۷/۱۵ وکیل خواهان که به موجب آن خواسته را اعلام بطلان وصیت نسبت به مازاد از ثلث اعلام نموده و نظر به شق ۲ ماده ۳ لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص که دعاوی راجع به وصیت را در صلاحیت

دادگاه مدنی خاص قرار داده است با تشخیص صلاحیت دادگاه مدنی خاص بابل در رسیدگی به این دعوی حل اختلاف می‌شود.

۲- به حکایت پرونده ۳۸۲/۲۹/۶۸ شعبه ۲۹ دیوان عالی کشور آقایان محمد اسماعیل و محمدابراهیم اکتیجی و غیره بطرفیت آقای علی گذار اکتیجی به خواسته ابطال وصیت‌نامه رسمی شماره ۱۹۶۵۰-۶۲/۸/۱۸- دفترخانه ۲۶ بابل در دادگاه مدنی خاص بابل اقامه دعوی نموده و در جریان رسیدگی توضیح داده‌اند که وصیت‌نامه رسمی مزبور برخلاف مقررات مواد ۸۴۳ و ۸۴۵ و ۸۴۹ قانون مدنی تنظیم شده و نسبت به مازاد ثلث باطل است. دادگاه مدنی خاص بابل به دعوی مزبور رسیدگی کرده و حکم شماره ۶۴۶-۶۷/۹/۷ را صادر نموده به این شرح که وصیت‌نامه مزبور پس از اخراج دیون متوفی به مقدار ثلث اموال اعتبار دارد و نافذ است و مازاد از آن باطل اعلام می‌شود. آقای علی گذار اکتیجی به عنوان وصی موصی از این حکم تجدید نظر خواسته و شعبه ۲۹ دیوان عالی کشور به اکثریت رأی شماره ۲۹/۱۰۷ مورخ ۶۸/۱۲/۲۸ را خلاصتاً به این شرح صادر نموده است: «نظر به این که ابطال سند رسمی وصیت‌نامه در صلاحیت دادگاه مدنی خاص نمی‌باشد بلکه ابطال سند مذکور مانند ابطال سایر اسناد رسمی در صلاحیت دادگاههای حقوقی است، لذا دادنامه صادر به علت عدم صلاحیت دادگاه مدنی خاص و به استناد قسمت دوم ماده ۵۵۸ و ماده ۵۵۹ قانون آیین دادرسی مدنی نقض می‌شود و جهت رسیدگی مجدد به دادگاه حقوقی یک شهرستان بابل ارجاع می‌گردد.» (نظر اقلیت بر صلاحیت دادگاه مدنی خاص و ابرام حکم بوده است).

### نظریه

بنابر آنچه ذکر شد شعب ۲۵ و ۲۹ دیوان عالی کشور در مورد صلاحیت دادگاه مدنی خاص یا دادگاه حقوقی یک در رسیدگی به دعوی در ابطال وصیت‌نامه رسمی نسبت به مازاد از ثلث اختلاف رأی دارند در صورتی که بند ۲ ماده ۳ لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص مصوب مهر ماه ۱۳۵۸ دعوی راجع به وصیت را علی‌الاطلاق در صلاحیت دادگاه مدنی خاص قرار داده است.

معاون اول قضایی دیوان عالی کشور- فتح‌الله باوری

### جلسه وحدت رویه

جلسه وحدت رویه به تاریخ روز سه شنبه: ۱۳۷۰/۳/۲۱ جلسه هیأت عمومی دیوان عالی کشور به ریاست حضرت آیت‌الله مرتضی مقتدایی رییس دیوان عالی کشور و باحضور جناب آقای حسن فاخری معاون اول دادستان محترم کل کشور و جناب آقایان رؤسا و مستشاران شعب حقوقی و کیفری دیوان عالی کشور تشکیل گردید. پس از طرح موضوع و قرائت گزارش و بررسی اوراق پرونده و استماع عقیده جناب آقای حسن فاخری معاون اول دادستان کل کشور مبنی بر «با توجه به بند ۲ ماده ۳ لایحه قانونی دادگاههای مدنی خاص که دعاوی راجع به وصیت را کلاً در صلاحیت دادگاه مدنی خاص قرار داده است رأی شعبه ۲۵ دیوان عالی کشور تأیید می‌شود» مشاوره نموده و اکثریت قریب به اتفاق بدین شرح رأی داده‌اند:

### متن رأی

رأی وحدت رویه شماره ۵۵۹-۱۳۷۰/۳/۲۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور بند ۲ ماده ۳ لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص مصوب مهر ماه ۱۳۵۸ رسیدگی به دعوی راجع به وصیت را علی‌الاطلاق در صلاحیت دادگاه مدنی خاص قرار داده که شامل دعوی عدم نفوذ وصیت به زیاده بر ثلث موضوع ماده ۸۴۳ قانونی مدنی نیز می‌شود و رسمی یا غیر رسمی بودن وصیت‌نامه تأثیری در صلاحیت دادگاه ندارد. بنابراین رأی شعبه ۲۵ دیوان عالی کشور صحیح تشخیص می‌شود. این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و برای دادگاهها در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

## رأی وحدت رویه شماره ۵۶۰ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

### موضوع

صلاحیت دادگاه مدنی خاص در رسیدگی به دعوی الزام تنظیم سند رسمی و ثبت ازدواج

### گزارش پرونده

ریاست محترم دیوان عالی کشور احتراماً به استحضار می‌رساند: آقای رییس شعبه ۲۱ دادگاه عمومی شیراز با ارسال شرحی به عنوان دادستان محترم کل کشور به انضمام پرونده‌های کلاسه ۸-۴۴-۶/۶۷ محاکم عمومی حقوقی شیراز و ۹-۲۱/۶۸ دادگاه مدنی خاص شیراز و تصویر آراء شماره ۱۳/۱۱۵۹-۳/۹/۶۷ و ۱۰/۱۲۴-۶۸/۲/۲۵ صادره از شعبات سیزدهم و دهم دیوان عالی کشور اعلام داشته از شعبات مذکور در مورد دعوی الزام به ثبت واقعه ازدواج نسبت به مرجع صالح به رسیدگی آن آراء مغایر صادر گردیده و اضافه کرده این موضوع به تنهایی متوجه زوجین نبوده و عملاً بسیاری از ازدواجها در موعدمقرر ثبت نمی‌شوند و مراجع ثبت واقعه ازدواج نیز بدون اصدار حکم از طرف محاکم صالحه مبادرت به ثبت واقعه ازدواج نمی‌نمایند و ناچار مراجع ثبت نیز باید طرف دعوی قرار گیرند و جهت ایجاد وحدت رویه تقاضای طرح در هیأت عمومی را نموده است که خلاصه جریان پرونده‌ها بشرح زیر گزارش می‌گردد:

۱- طبق پرونده کلاسه ۱۳/۳۲۶۷/۱ شعبه سیزدهم دیوان عالی کشور بانو روحانی با وکالت یکی از وکلای دادگستری دادخواستی بطرفیت آقای فزدوری به خواسته الزام و اجبار خواننده به تنظیم سند نکاح نامه رسمی به دادگاههای حقوقی یک شیراز تقدیم و توضیح داده خواهان طبق سند نکاحیه ۳۰۷۴-۶۱/۷/۲۱ به عقد دائم خواننده درآمد و بعداً در تاریخ ۴/۸/۶۴ مطلقه شده ولی برابر رأی شماره ۲۱۸۸-۶۶/۱۱/۳۰ دادگاه مدنی خاص رابطه زوجیت فیما بین به اثبات رسیده و به عنایت به این که طبق قباله عادی مورخ ۶۵/۶/۲۴ مهریه خواهان به مبلغ سه میلیون ریال

تعیین شده تقاضای رسیدگی و صدور حکم به الزام خواننده را به تنظیم سند رسمی با قید مهریه و سایر شرایط نموده است شعبه ششم دادگاه حقوقی یک شیراز طبق قرار شماره ۸۶-۶۷/۴/۷ با استناد به شق یک ماده ۳ قانون تشکیل دادگاههای مدنی خاص به لحاظ این که خواسته دعوی الزام و اجبار خواننده به تنظیم سند نکاح رسمی است قرار عدم صلاحیت خود را به اعتبار صلاحیت مدنی خاص صادر کرده است و شعبه سوم دادگاه مدنی خاص شیراز نیز بشرح قرار شماره ۹۰۶-۶۷/۴/۲۳ به لحاظ این که دعوی الزام به ثبت رسمی واقعه ازدواج از موارد صلاحیت دادگاه مدنی خاص خارج و در صلاحیت دادگاههای حقوقی است قرار عدم صلاحیت صادر کرده است و با تحقق اختلاف به دیوان عالی کشور ارسال شده و شعبه سیزدهم بشرح دادنامه شماره ۱۳/۱۱۵۹-۶۷/۹/۳ چنین رأی داده است:

رأی- با توجه به این که در حال حاضر وجود رابطه زوجیت بین طرفین مفروض عنه است و با مذاقه در بند یک ماده ۳ قانون تشکیل دادگاه مدنی خاص و این که دادگاه مدنی خاص از محاکم عمومی نبوده و احراز صلاحیت این دادگاه محتاج به نص قانونی است و توسعه صلاحیت مراجع خصوصی از راه تفسیر جایز نیست با این لحاظ در باب مطلق دعوی الزام به ثبت واقعه نکاح با قبول صلاحیت شعبه ششم دادگاه حقوقی یک شیراز و فسخ دوفقره قرار عدم صلاحیت صادره از ناحیه این دادگاه حل اختلاف می گردد مقرر می دارد پرونده برای رسیدگی ماهوی به شعبه ششم دادگاه حقوقی یک شیراز فرستاده شود.

۲- طبق محتویات پرونده کلاسه ۱۰-۳۷۳۰/۲۳ شعبه دهم دیوان عالی کشور: آقای فیوج مهر، دادخواستی بطرفیت خانم سعادت به خواسته تقاضای رسمی شدن عقدنامه عادی به رسمی به دادگاه مدنی خاص شیراز تقدیم داشته شعبه دوم دادگاه مدنی خاص شیراز طبق دادنامه شماره ۶۳۰-۶۷/۹/۳۰ مستنداً به ماده ۳ لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص و ماده ۵ قانون تشکیل دادگاههای حقوقی یک و دو صرفنظر از اشکالات وارده بر دادخواست رسیدگی به دعوی مطروحه را در صلاحیت دادگاههای حقوقی یک شیراز دانسته و قرار عدم صلاحیت خود را به اعتبار صلاحیت مرجع مذکور صادر کرده و شعبه دوم دادگاه حقوقی یک شیراز نیز طبق دادنامه شماره ۳۷۰-۱۳۶۷/۱۱/۱۲ با این استدلال که ثبت واقعه ازدواج

فرع بر احرار زوجیت است مستنداً به بند یک ماده ۳ لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص قرار عدم صلاحیت خود را به اعتبار صلاحیت دادگاه مدنی خاص شیراز صادر نموده با تحقق اختلاف پرونده جهت حل اختلاف به دیوان عالی کشور ارسال و شعبه دهم بشرح دادنامه شماره ۱۰/۱۲۴-۶۸/۲/۲۵ چنین رأی داده است.

رأی- برابر بند ۱ ماده ۳ لایحه قانونی تشکیل دادگاه مدنی خاص رسیدگی به دعوی راجع به نکاح بطور مطلق در صلاحیت آن دادگاه می‌باشد به این ترتیب با تأیید قرار عدم صلاحیت صادره توسط دادگاه حقوقی یک شیراز حل اختلاف و پرونده جهت ادامه رسیدگی به دادگاه مدنی خاص شیراز ارسال می‌گردد. اینک بشرح ذیل مبادرت به اظهار نظر می‌نماید:

### نظریه

همانطور که ملاحظه می‌فرمایید در مورد صلاحیت رسیدگی به دعوی الزام به ثبت واقعه ازدواج به صورت رسمی از طرف شعبات سیزدهم و دهم دیوان عالی کشور آراء متناقض صادر گشته است بنا به مراتب به استناد قانون وحدت رویه مصوب ۱۳۲۸ تقاضای طرح در هیأت عمومی محترم دیوان عالی کشور را جهت اتخاذ رویه واحد دارد.

معاون اول دادستان کل کشور- حسن فاخری

### جلسه وحدت رویه

جلسه وحدت رویه به تاریخ روز سه شنبه ۱۳۷۰/۳/۲۱ جلسه هیأت عمومی دیوان عالی کشور به ریاست حضرت آیت‌الله مرتضی مقتدایی رییس دیوان عالی کشور و با حضور جناب آقای حسن فاخری معاون اول دادستان محترم کل کشور و جنابان آقایان رؤسا و مستشاران و اعضاء معاون شعب حقوقی و کیفری دیوان عالی کشور تشکیل گردید.

پس از طرح موضوع و قرائت گزارش و بررسی اوراق پرونده و استماع عقیده جناب آقای حسن فاخری معاون اول دادستان کل کشور مبنی بر: «با توجه به بند یک ماده ۳ لایحه قانون دادگاه مدنی خاص که دعوی راجع به نکاح را در صلاحیت دادگاه



مدنی خاص قرارداد داده و دعوی الزام به تنظیم سند نکاح‌نامه رسمی نیز از جمله این دعاوی است، لذا رأی شعبه دهم دیوان عالی کشور تأیید می‌شود» مشاوره نموده و اکثریت بدین شرح رأی داده‌اند:

### جلسه وحدت رویه

رأی وحدت رویه شماره ۵۶۰-۱۳۷۰/۳/۲۱-هیأت عمومی دیوان عالی کشور دعوی الزام به تنظیم سند رسمی نکاح‌نامه و ثبت واقعه ازدواج در دفاتر رسمی از متفرعات دعوی راجع به نکاح می‌باشد و رسیدگی آن بر طبق بند ۲ ماده ۳ لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص مصوب مهر ماه ۱۳۵۸ در صلاحیت دادگاه مدنی خاص است. بنابراین رأی شعبه دهم دیوان عالی کشور صحیح و منطبق با موازین قانونی است. این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و برای دادگاهها در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.